

ادب عربي، سال ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰



10.22059/jalit.2021.320023.612368

Print ISSN: 2382-9850//Online ISSN: 2676-7627

<http://jalit.ut.ac.ir>

The Semiotics of “Title” in Mohammad Helmi al-Risheh's Poetry; Cases Studies: “La To'teni Tafahata Okhra”, “Resalatan ela Kalimollah” and “Ababil”

Nahid Phishgam

PhD Student in Arabic Language and Literature, Razi University

Yahya Maroof*

Professor in Arabic Language and Literature, Razi University

Majid Mohammadi

Assistant Professor in Arabic Language and Literature, Razi University

Received: 2021, March, 8; Accepted: 2021, December, 21

Abstract

Literary semiotics, as a modern science at the present time, seeks to decode and discover the signs of the text by using the syntagmatic relations between words and the special arrangement of words. “Title” of text is one of the important codes of semiotics and is the showcase of text which can have an important relationship with the main text and guides the reader to discover the author's mental concepts; hence it can be said that “title” plays an important role in decoding a text. Mohammad Helmi Al-Risheh (1985) is one of the poets who often uses symbols and signs to convey his poetic mission to the audience. He considers “title” as a key to entering the text, and has paid special attention to it. “Title” at the beginning of many of his odes gives a fillip to the mind of audience. In this paper, “La To'teni Tafahata Okhra”, “Resalatan ela Kalimollah” and “Ababil” will be discussed as the cases studies. Since the titles of the three poems are based on the invoking of Quranic stories, the present study aims to investigate the title of these odes from semiotic perspective and analyze their relationship with the main text based on the Quranic intertextuality. This paper also recounts the poet's purpose for invoking the Quranic stories and examines the functions of the title of the text during its reading and explores the titles at the structural and signification level and analyzes its functions. The findings of this research indicate that the titles of the poems have been taken from Quranic stories and is in line with the main text, which the poet has used to induce his mental schemata. Also, titles are sometimes directly related to the text; that is, in terms of meaning and sound, they have been taken from the text and sometimes their function is indirect. So the reader to discover this relationship needs more effort. Also, the mentioned titles are signifiers with their own signified and have descriptive and attractive functions.

Keywords: Mohammad Helmi al-Risheh, Semiotics, Title, Functions of Title, Title and Quranic Intertextuality.

*. Corresponding Author: y.marof@yahoo.com

نشانه‌شناسی «عنوان» در شعر محمد حلمی الریشه؛ مطالعه موردی: «لاتعطني تفاحة أخرى»، «رسالة إلى كريم الله» و «أبائيل»

ناهید پیشگام

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی

یحیی معروف*

استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی

مجید محمدی

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی

(از ص ۱۷ تا ۳۷)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

علمی-پژوهشی

چکیده

نشانه‌شناسی ادبی، به‌عنوان دانشی نوین در عصر حاضر، با استفاده از همنشینی واژگان و چیدمان خاص کلمات، در پی رمزگشایی و کشف نشانه‌های متن است. عنوان متن، از رمزگان‌های مهم نشانه‌شناسی و به‌منزله پیشخوان متن است که می‌تواند ارتباطی مهم با متن اصلی داشته باشد و خواننده را به کشف مفاهیم ذهنی نویسنده راهنمایی کند؛ از این رو، می‌توان گفت که عنوان، نقش مهمی در رمزگشایی متن دارد. محمد حلمی الریشه (۱۹۸۵م)، در زمره شاعرانی است که غالباً با استفاده از نمادها و نشانه‌ها، رسالت شعری خویش را به مخاطب القاء می‌کند. وی به‌عنوان، به‌مثابه کلید ورود به متن، اهتمام ویژه داشته است و عنوان در همان ابتدای بسیاری از قصاید وی، تلنگری در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. در این جستار به مطالعه موردی قصاید «لاتعطني تفاحة أخرى»، «أبائيل» و «رسالة إلى كريم الله» پرداخته می‌شود. از آنجا که عناوین این سه قصیده مبتنی بر فراخوانی داستان‌های قرآنی است، پژوهش حاضر بر آن است تا به واکاوی نشانه‌شناسانه عناوین این قصاید و ارتباط آنها با متن اصلی با تکیه بر بینامتنی قرآنی پرداخته، هدف شاعر را از این فراخوانی بازگو کند و کارکردهای عنوان را در متن در خلال خوانش آن بررسی کند و به کاوش عناوین در سطح ساختاری و دلالتی و نقش‌های آن بپردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که عناوین قصاید، برگرفته از داستان‌های قرآنی و در راستای متن اصلی است که شاعر از آنها برای القای انگاره‌های ذهنی خویش بهره جسته است؛ دیگر اینکه عناوین، گاه ارتباطی مستقیم با متن دارند؛ یعنی از نظر معنا و لفظ برگرفته از متن هستند و گاه کارکرد آن به شیوه‌ای غیر مستقیم و نیازمند به تلاش مضاعف خواننده در جهت کشف این ارتباط است. همچنین عناوین مذکور، دال‌هایی با مدلول‌های خاص خود و دارای نقش‌های توصیفی و جلب‌کننده هستند.

واژه‌های کلیدی: محمد حلمی الریشه، نشانه‌شناسی، عنوان، نقش‌های عنوان، عنوان و بینامتنی قرآنی.

۱. مقدمه

نشانه‌شناسی به‌عنوان روشی نو، با بررسی چینه‌شناسی واژگان، در پی فهم ارتباطات نهان متن بوده است و راز و رمزهای پنهان را از دل الفاظ بیرون می‌کشد و کدگذاری‌های متن را با واکاوی ارتباط هم‌نشینی واژگان کشف می‌کند؛ بنابراین، باید گفت این دانش، نقش مهمی در واکاوی و تحلیل متون ادبی، از جمله شعر ایفا می‌کند.

«نشانه‌شناسی، مطالعه نظام‌مند همه عواملی است که در تولید و تفسیر نشانه‌ها یا در فرآیند دلالت شرکت دارند» (مکاریک، ۱۳۸۵: ۳۲۶). یکی از شاخه‌های مهم این دانش، نشانه‌شناسی عنوان است؛ «عنوان یک اثر ادبی، همچون معنایی است که متن اصلی سعی در حل آن دارد» (حمداوی، ۱۹۹۷: ۹۶). نشانه‌شناسی توجه بسیاری به عنوان دارد و آن را حوزه معنایی «دلالتی» مستقلی می‌داند که از چگونگی تحقق ارتباط میان ارسال و دریافت «پیام» و زیبایی‌های عناصر هنری پرده برمی‌دارد (زعر، ۲۰۱۸: ۹۲). اولین چیزی که هر خواننده‌ای در برخورد با اثر ادبی، با آن مواجه می‌شود، عنوان آن است؛ از این رو، عنوان هر اثر ادبی، مهم‌ترین و اساسی‌ترین درگاه ورود به آن است؛ چراکه ارتباط تنگاتنگی با مفاهیم، شخصیت‌ها و عناصر دیگر آن اثر دارد، ذهن خواننده را به چالش کشیده، فرضیه‌هایی برای او مطرح می‌سازد و او را به خوانشی تازه از متن اثر تحریک می‌کند (حسینی، ۲۰۱۳: ۲۵). محمد حلمی الریشه^۱ از شاعران توانمند معاصر است که بخش زیادی از شعر وی را مضامین سیاسی و ملی با تکیه بر نشان‌ها، نمادها و رموز تشکیل می‌دهد؛ به طوری که فهم شعر وی بدون توجه به این نشانه‌ها بسیار دشوار و تا حدی ناممکن است. در این میان، انتخاب عناوین اشعار، از جمله مواردی است که هم از هوش شاعر و هم از ظرفیت بالای شعری وی حکایت می‌کند. در بررسی دیوان شعری شاعر ملاحظه می‌شود که غالب عناوین اشعار وی با توجه به چهره سیاسی شاعر، متناسب با این مضمون و در این راستا انتخاب شده است؛ مهم‌ترین این عناوین عبارت‌اند از: زمن الشدة، الموت و المیلاد فی الموت، سنخرج من حوضکم فی هدوء، بکت السماء هنا علیک، الإلتظار، لن یقتلوا فیک الحیاة ... در همه این اشعار همان‌طور که از عنوان‌ها مشخص است، شاعر به شرایط سخت سرزمین خویش و به خروج از حیطة استعمار پرداخته و با وعده پیروزی، نور امید را در دل‌ها روشن کرده است.

از آنجا که نویسندگان مقاله حاضر در پی بیان تأثیرپذیری شاعر از داستان‌های قرآنی و تبیین چگونگی ارتباط عنوان با متن هستند، با گزینش سه قصیده «لَا تُعْطِنِي تُفَاحَةٌ أُخْرَى»، «رِسَالَةٌ إِلَىٰ كَلِيمِ اللَّهِ» و «أَبَابِيل» از دیوان محمد حلمی الریشه، به دنبال آن هستند تا با روشی توصیفی-تحلیلی به مطابقت عنوان و محتوای این قصاید که بینامتنی قرآنی دارد، بپردازند و در پس آن به این پرسش‌ها پاسخ دهند: ۱. محمد حلمی الریشه با فراخوانی داستان‌های قرآنی، چگونه بین عنوان و

متن ارتباط برقرار کرده است؟ ۲. عنوان چه کارکردی در متن دارد؟ ۳. شاعر در بهره‌گیری از داستان‌های قرآنی در عنوان قصاید، تا چه اندازه موفق بوده است؟

تاکنون درباره نشانه‌شناسی و دلالت عنوان، پژوهش‌های زیادی انجام شده است که از جمله آنها، مقاله «سیمیائیة العنوان فی قصیدة شب‌گیر لأحمد شاملو و لیل یفیض من الجسد لمحمود درویش، دراسة مقارنة» نوشته فاطمه بخیت و همکاران (۲۰۱۳) است که نگارندگان در این مقاله، با ارائه تعاریفی از نشانه‌شناسی و بیان رابطه آن با عنوان، به بررسی دو قصیده مذکور در سه سطح واژه‌نامه‌ای، ساختاری و دلالتی پرداخته‌اند؛ همچنین محمدعلی آذرشب و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «نشانه‌شناسی عنوان قصیدة حفر علی یاقوت العرش سرودة محمدعلی شمس‌الدین»، ضمن بیان مفاهیم نشانه‌شناسی و دلالت‌های عنوانی، قصیده را از نظرگاه دستوری، واژه‌نامه‌ای و دلالت‌ عنوان واکاوی کرده‌اند؛ اما پژوهش‌هایی که به‌عنوان پیشینه بحث حاضر، حائز اهمیت‌اند، عبارت‌اند از: مقاله «الأدیب محمد حلمی الریثه» نوشته ابوصالح (۲۰۱۱) از فلسطین که در آن به نگارش زندگی حلمی الریثه پرداخته است. همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان «الظواهر الأسلوبیة فی دیوانی الشاعر محمد حلمی الریثه» از دانشگاه قدس که محمودحسین (۲۰۱۵) در آن، انواع تناس و ساختار ترکیبی شعر شاعر را بررسی کرده است. از آنجا که تاکنون پژوهشی درباره نشانه‌شناسی و دلالت عنوان در شعر محمد حلمی الریثه صورت نگرفته است، این نوشتار اولین تلاش برای معرفی این شخصیت در ایران است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

عنوان، پیش‌درآمد و مدخل ورود به متن اصلی در شعر است، شعر در عصر معاصر، دنیایی از رمز و راز است که درک و فهم معنای آن، مستلزم آگاهی از علم نشانه‌هاست. دانش نشانه‌شناسی در دنیای کنونی، درصدد کشف ارتباط بین این دو امر مهم است که در این جستار، با ارائه تعاریف نشانه‌شناسی و عنوان، دریچه‌ای برای ورود به بحث اصلی باز کرده‌ایم.

۲-۱. نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی، دانشی جدید در عصر حاضر است که محلّ توجه نظریه‌پردازان بسیاری قرار گرفته است. پایه‌گذاران اصلی این علم، دو نظریه‌پرداز بزرگ، یعنی سوسور و پیرس هستند:

هرچند نشانه‌شناسی را میراث سوسور می‌دانند؛ اما با افکار و نظریات پیرس، نشانه‌شناسی به رشته‌ای مستقل تبدیل شد و به‌مثابه وجهی بین‌رشته‌ای، برای بررسی پدیده‌ها تکوین یافت. از نظر پیرس، نشانه‌شناسی چهارچوب ارجاعی است که هر مطالعه دیگری را دربرمی‌گیرد. او می‌گوید: هیچ‌گاه نتوانسته‌ام چیزی را مطالعه کنم، هرچه می‌خواهد باشد، ریاضیات، اخلاق، نجوم، روان‌شناسی، اقتصاد، تاریخ و ... - و به آن چونان چیزی غیر از مطالعه نشانه‌شناختی نگاه کنم (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۴۵).

«پژوهشگران حوزه زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی را بررسی علمی رمزهای زبانی و غیر زبانی به اعتبار ابزار ارتباطی بودن تعریف کرده‌اند» (مختار عمر، ۱۳۸۵، ۲۱). آنچه در علم نشانه‌شناسی حائز اهمیت است، ارتباط بین دال و مدلول است. «فردینان دوسوسور نشانه زبانی را متشکل از یک دال (تصور صوتی) و یک مدلول (تصور مفهومی) می‌داند و رابطه بین این دو را که به نشانه، هستی و انسجام می‌بخشد، دلالت می‌نامد» (سوسور، ۱۳۹۲: ۱۷۰)؛ بنابراین، می‌توان گفت «نشانه حاصل انطباق این دو عنصر، یعنی دال و مدلول است. نشانه همیشه دو رو دارد؛ دال بدون مدلول، یا به عبارتی، دالی که به هیچ مفهومی دلالت نکند، صدایی گنگ بیش نیست و مدلولی که هیچ صورتی (دالی) برای دلالت بر آن وجود نداشته باشد، قابل دریافت و شناخت نیست» (سجودی، ۱۳۹۳: ۱۳)؛ در نتیجه، «نشانه در علم نشانه‌شناسی به تنهایی معنایی ندارد و در ارتباط و تقابل با نشانه‌های دیگر ارزش و معنا می‌یابد» (سوسور، ۱۳۹۲: ۱۶۴).

۲-۲. نشانه‌شناسی ادبی

حوزه‌های کارکرد نشانه‌شناسی، وسیع و متعدّد است که از جمله آنها حوزه ادبیات است. نشانه‌شناسی ادبی به‌عنوان یکی از شاخه‌های سترگ دانش نشانه‌شناسی، «به تجزیه و تحلیل متون ادبی، از جمله شعر و داستان می‌پردازد. تحلیل متن به اعتبار محور جانمایی و هم‌نشینی،^۲ بررسی دلالت‌های ضمنی، شناخت سازوکارهای شکل‌دهنده به گفتمان از قبیل اسطوره‌ها، نمادها و شناسایی دیگر شگردهای بلاغی، از مواردی است که نشانه‌شناسان به آن توجه نشان می‌دهند» (فرهنگی و یوسف‌پور، ۱۳۸۹: ۱۴۴). در نشانه‌شناسی ادبی می‌توان گفت که هدف آن «کشف ارتباط میان نویسنده، متن و خواننده است» (احمدی، ۱۳۸۰: ۶)؛ به عبارت دیگر، نشانه‌شناسی ادبی در پی کشف معانی نهفته در پس متن است. شعر چنان‌که ریفاتر بیان داشته است «نوعی از کاربرد زبان است؛ لیکن این زبان تأثیرهایی ایجاد می‌کند که زبان روزمره نمی‌تواند آن را به طریقی مداوم ایجاد کند» (Reeffatterre, 1999: 149). «به طور کلی، شعر بازنمون جهان واقعی به شیوه‌ای کاملاً ناسازگار با اصل واقعیت‌نمایی است. رعایت اصل واقعیت‌نمایی در هنر و ادبیات ایجاد می‌کند که نویسنده بکوشد تا جهان آشنا را تا حدّ ممکن، همان‌گونه که هست، بازآفریند؛ چندان‌که متن آینه‌ای از واقعیت‌های تجربه‌شده جلوه کند؛ اما زبان شعر ذاتاً ناقض این تناظر بین نشانه‌های زبانی و واقعیت بازنمایی شده است. در واقع شعر، به جای محاکات واقعیت، واقعیتی بدیل را با دستگاه نشانه‌ای خود می‌آفریند» (Maranda, 1980: 201). «شعر زمانی پدید می‌آید که زبان آن، به جای بازنمایی (محاکات)، به سمت الگوهایی از دلالت میل کند؛ الگوهایی مختص ساختارهای کلامی خود آن شعر (نشانه‌پردازی)» (Connor, 2003: 738-739).

۲-۳. نشانه‌شناسی عنوان

عنوان، ورودی متن و نقطه آغازین ارتباط با متن است. عنوان «علامتی است که بر متن، دلالت و اشاره دارد و تشخیص متن و کشف زوایای آن در چارچوب اثرگذاری عنوان صورت می‌گیرد؛ چراکه آن، کلید ورود به دنیای متن به حساب می‌آید؛ کلیدی که به هنگام ابهام و پیچیدگی در این متن‌ها، مخاطب را قادر می‌سازد تا به دنیای این تصاویر و آواها ورود پیدا کند» (فرج، ۲۰۱۳: ۱۵). بارت بر آن است که عناوین، نظام‌های دلالتی و نشانه‌شناسی هستند که با خود ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و ایدئولوژی انتقال می‌دهند (حمداوی، ۱۹۹۷: ۹). در حقیقت، عنوان «خواننده را وامی‌دارد تا قبل از ورود به متن، در برابر [عنوان] تأمل کند و به خوانش آن پردازد» (بن‌الدین، ۲۰۱۳: ۱۰۵). «شاعر معاصر، بر این امر اصرار دارد که عنوان‌ها، سرشار از الهام و اشاره‌هایی باشد که خواننده را برای خوانش متن وسوسه کند و او را به سوی متن بکشاند» (الضمور، ۲۰۱۴: ۱۲۵۴). «عنوان باید با ساختار عمومی تشکیل‌دهنده متن هماهنگ باشد و کاملاً متناسب با آن شکل گیرد؛ چراکه هرگونه زیادت و نقص در تشکیل فضای عنوان قصیده، لزوماً بازخوردی منفی بر کل متن دارد» (عبید، ۲۰۱۵: ۲۷۴).

۳. پردازش تحلیلی موضوع

۱-۳. نقش‌های عنوان

عنوان، نقش مهمی در معرفی متن به خواننده ایفا می‌کند. پژوهشگران درباره این نقش‌ها بحث و بررسی کرده‌اند که از جمله آن نقش ارتباطی زبان است که یاکوبسن آن را کشف کرد. لوی هویک (Louis Howick) و شارل (Charles) و گریفیل (Griffel) و میتیرون (Mitiron) و ... هرکس بر حسب دیدگاه خود، نقش عنوان را مشخص کرده‌اند، ولی ژنت دریافت که این نقش‌ها تابع تعمیم‌های نظری است؛ بنابراین، نقش‌های نخست را اصلاح و در چهار نقش (تعیین‌کننده، توصیفی، دلالت‌کننده، جلب‌کننده) خلاصه کرد (بوصیع، ۲۰۱۰: ۲۰ و الحجمري، ۱۹۹۱: ۱۸).

به دلیل شباهت دو نقش دلالت‌کننده و توصیفی، در این نوشتار و نوع گزینش قصاید، عناوین تنها از دو منظر (توصیفی و جلب‌کننده) مورد کنکاش قرار می‌گیرند.

در نقش توصیفی، متن بیشتر توصیف می‌شود و با استفاده از این نوع نقش، مطابقت بین متن و عنوان مشخص و واضح می‌گردد، گاه عنوان با متن ارتباط مستقیم دارد و خواننده به وضوح از خلال عنوان به کنه متن پی می‌برد؛ اما گاه فرایافت (concept) فکری شاعر در متن از طریق عنوان حاصل نمی‌شود، بلکه با مطالعه متن به عنوان پی برده می‌شود. «نقش توصیفی شامل دو نقش موضوعی و نقش اخباری است که علی‌رغم

تفاوت این دو با یکدیگر، هردو یک نقش ایفا کرده؛ و آن توصیف متن است» (بلعابد، ۲۰۰۸: ۸۲-۸۳).

نقش موضوعی مانند «این کتاب درباره اشعار فردوسی است»، اما نقش خبری موضوع کتاب را تفسیر می‌کند؛ مانند «این کتاب اشعار فردوسی است»، و این نقش توصیفی نامیده می‌شود (بخیت، ۱۳۹۲: ۴۰). نقش توصیفی به منزله کلید تأویلی برای عنوان است و این نقش متن را برای خواننده آشکار و تصویری از آن به ذهنش القا می‌کند. (بلعابد، ۲۰۰۸: ۸۲-۸۳).

با توجه به تعریفی که از این نقش ارائه شد، می‌توان گفت که از میان قصاید مورد بحث این پژوهش، تنها قصیده «رسالة إلی کلیم الله» در حیطه نقش توصیفی قرار می‌گیرد و می‌توان اذعان داشت که این عنوان‌ها از نوع توصیفی خبری محسوب می‌شوند؛ چرا که عنوان، مفسّر و توصیف‌گر موضوعی است که در بطن شعر نهفته است و خبر از ارسال نامه و حکایتی می‌دهد که مسلماً حاوی یک پیام بسیار مهم برای حضرت موسی^ع است و این خبر حس کنجکاوی را در مخاطب برمی‌انگیزاند که در ادامه در مبحث دلالت معنایی، مفصّل بیان خواهد شد.

نقش جلب‌کننده (تشویق‌کننده) از مهم‌ترین نقش‌های عنوان به شمار می‌آید؛ زیرا خواننده را برای خواندن متن تشویق می‌کند و توجه او را به متن جلب می‌کند و انگیزه مطالعه و به دست آوردن کتاب را در خواننده بیشتر می‌کند؛ یعنی عنوان به گونه‌ای گزینش می‌شود که خواننده را برای خواندن متن کنجکاو می‌کند (السلطانی و حمود، ۲۰۱۴: ۲۵۸). این نقش در عناوین شعر محمد حلمی الریشه متجلی و بارز است. او با بهره‌گیری از زبان رمزی و نمادین، عنوان‌های قصایدش را برمی‌گزیند؛ به ویژه در این سه قصیده، نماد و تناسف قرآنی را با هم درمی‌آمیزد و بدین شکل، خواننده را به خوانش متن ترغیب می‌کند. در واقع، داستان قرآنی را نمادگونه در مسیر ذهنیات خویش به کار گرفته است، با توجه به اینکه حلمی الریشه، شاعری ملی‌گرا و سیاسی است، در خوانش قصیده «لا تعطني تفاحة أخري»، خواننده این دریافت ذهنی را در خود حس می‌کند که شعر دربردارنده مضمونی سیاسی و برگرفته از اندیشه ناسیونالیستی شاعر است؛ پس به سمت متن اصلی کشانده می‌شود تا به رازی که در این عنوان است پی ببرد و منظور شاعر را از تعبیر «سیب دیگری را به من نده» دریابد و ارتباط این عنوان را با داستان قرآنی کشف کند، یا آنجا که عنوان «أبا بیل» را برای یکی از قصایدش برگزیده، خواننده با این پیش‌ذهنیت که اسم أبابیل در قرآن ذکر شده است، به خواندن متن ترغیب می‌شود تا راز و ارتباط بین این الهام قرآنی و متن را واکاوی کند. گنگی و ابهام عنوان، خواننده را به

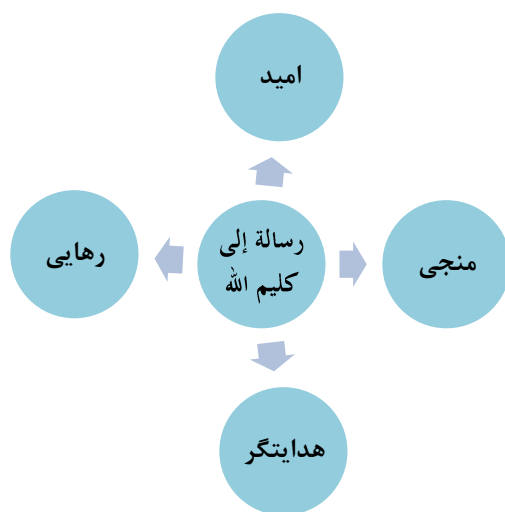
خواندن متن ترغیب می‌کند؛ چراکه انتخاب این عنوان را کمی نامأنوس می‌پندارد و در عنوان «رسالة إلى كلیم الله» خواننده می‌داند که کلیم الله لقب حضرت موسی^ع است و لذا ذهنش به تکاپو می‌افتد تا پرده از راز این پیام بردارد که نویسنده چه پیام و نامه‌ای در شعر خطاب به حضرت موسی^ع و با چه هدفی ارائه داده است؛ در نتیجه، ملاحظه می‌شود که یکی از شاخصه‌های مهم شعری حلمی الریشه، انتخاب عناوینی خاص و متکی به تناص قرآنی است که گاه به صورت معما، ذهن مخاطب را به چالش می‌کشد و به صورت ناخودآگاه به سمت متن کشیده می‌شود.

۳-۲. عنوان از نظرگاه دلالی (معنایی)

عنوان، به منزله هویت قصیده است و یکی از تصاویر تفسیر شاعر از قصیده خود را در بردارد. این عنوان، خلاصه‌ای معنایی از آن چیزی است که به زعم شاعر، مضمون قصیده او بوده یا دغدغه‌ای است که وی را احاطه کرده است؛ بنابراین از یک سو، نمود تفسیر شاعر از متن و توضیح آن و از سوی دیگر، تشویق و تحریک خواننده برای استقبال از متن و ورود به آن است (الغذامی، ۱۹۹۳: ۴۷-۴۸). دلالت عنوان به یکی از شخصیت‌های متن اشاره دارد که معمولاً یک قهرمان است یا به مکان، زمان، حوادث، رویکردهای فکری، سیاسی، اجتماعی و غیره یا اسطوره‌ای اشاره دارد که در متن فراخوانده یا به آنها ارجاع داده شده است و یا این دلالت، غیر مستقیم می‌باشد و خواننده را به تفسیر وامی‌دارد (فضل، ۱۹۹۲: ۳۳۶). عنوان قصیده، دلالت‌های معنایی متعددی را به ذهن خواننده منتقل می‌کند که با توجه به نوع عنوان، مفرد یا مرکب بودن، ممکن است معانی متفاوتی تداعی کند. در عنوان‌های مرکب، معانی جزئی و مجزاً به صورت مفرد نیز قابل بررسی و واکاوی است.

با خوانشی که در اشعار حلمی الریشه صورت گرفت، این امر حاصل شد که رویکرد فکری وی، مخصوصاً در قصاید مورد بحث، رویکردی سیاسی و در وصف وطن است که در این مسیر از زبان نماد و رمز بهره می‌برد. وی نماد را به عنوان پوششی برای بیان انگاره‌های ذهنی خویش به خدمت می‌گیرد تا از ورای آن، درونیات خود را رمزگونه بیان کند. چه بسا خواننده از طریق عناوین شعرهای وی، به سیاسی بودن محتوای آنها پی نبرد و از خلال خوانش متن و نشانه‌های موجود در کنار واکاوی نمادها، فریافت فکر سیاسی شاعر را دریابد؛ چراکه «زبان شعر در بیان دلالت‌های خود به بیرون از متن ارجاع نمی‌دهد؛ البته فرامتن‌ها و پیرامتن‌ها در دریافت دلالت متن به خواننده کمک می‌کنند؛ اما زبان به کار رفته در متن شعر به مثابه اصلی بنیادین در خدمت خواننده قرار دارد تا به کمک آن بتواند رمزهای متن را بازگشایی کند» (آذرشب و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷).

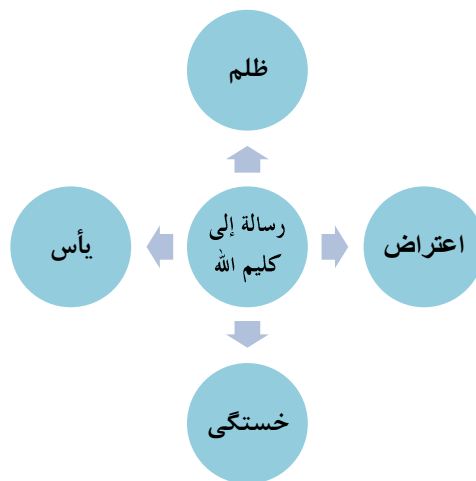
عنوان «رسالة إلى کلیم الله»، دیباجة یکی از قصاید شاعر است. «کلیم الله» لقب حضرت موسیٰ، از پیامبران بزرگ الهی است و در بدو کلام، تلنگری در ذهن خواننده ایجاد می‌شود که هدف شاعر از انتخاب این عنوان چیست؟ و دیگر اینکه، وی در پی القای چه مفهومی است؟ آنچه ذهن را از دریافت معنای حقیقی و اینکه شعر در وصف حضرت موسیٰ باشد، دور می‌کند، همنشینی «کلیم الله» با «رسالة إلى...» است؛ از این‌رو، عنوان، معانی و مضامین متعددی را می‌تواند در دل خود داشته باشد که شاعر در همین نقطه آغازین کلام، کنجکاوی خواننده را برای کنکاش درونی متن برمی‌انگیزد تا بلکه بتواند کلید این معما را بیابد. آن‌گونه که از عنوان فهمیده می‌شود، شاعر در پی نگارش و ارسال یک نامه، به عبارتی بهتر، یک شکوائیه به حضرت موسیٰ است. از آنجا که پیامبران همواره ناجی و هدایتگر و محلّ امید آدمی بوده‌اند، در ابتدا با توجه به عنوان قصیده، به نظر می‌رسد که شاعر، حضرت موسیٰ را فراخوانده تا بلکه از دردهای مردمان سرزمینش بکاهد؛ در نتیجه می‌توان گفت مدلول‌های امید، رهایی، منجی، هدایتگر از جمله مدلول‌هایی هستند که خواننده در ابتدا با دقت نظر در عنوان به ذهنش خطور می‌کنند:



اما هنگامی که به بطن متن رجوع می‌شود، خواننده با نوعی تضاد فکری در خود مواجه می‌شود؛ شاعر در متن، صفت «العلیل» را برای حضرت به کار برده است تا بیان دارد که کثرت و فراوانی ظلم به اندازه‌ای است که موسیٰ خود نیز به سبب ستم بی حدّ قومش، ناتوان شده است و با لفظ «لَا تَأْتِي»، با بیانی کنایی، ناامیدی از آمدن موسیٰ و بهبودی اوضاع را بیان کرده است:

وَأَقُولُ يَا مُوسَى الْعَلِيلُ: / قَدْ غَبَتَ أَرْبَعِينَ مِنَ اللَّيَالِي، فَانْحَنُوا / لِلْعَجَلِ،
وَأَتَّخِذُوكَ هُزَاءَ الْمَغْفُورَةِ، / وَالْآنَ لَا تَأْتِي، فَسَاحُوا كُلَّ يَوْمٍ مَجْزَرَةَ / فِي / كُلِّ
/ وَقْتٍ / مَجْزَرَةَ^۳ (حلمی الریثه، ۲۰۱۶: ۳۷۹-۳۸۰).

با خوانش متن شعر، مدلول‌های ذهنی خواننده دچار تغییر شده و یک واژگونی تعبیری در ذهنش شکل بسته است. در پرتو محور همنشینی، آمدن واژگان «العلیل، غبت، لاتأتي، انحنوا، مجزرة» با بار معنایی منفی، نشانه‌هایی هستند که ذهن را به سمت ناامید بودن شاعر از اوضاع راهنمایی می‌کنند؛ در نتیجه، ظلم، اعتراض، خستگی و یأس، مدلول‌هایی هستند که خواننده با خوانش در متن بدان می‌رسد:

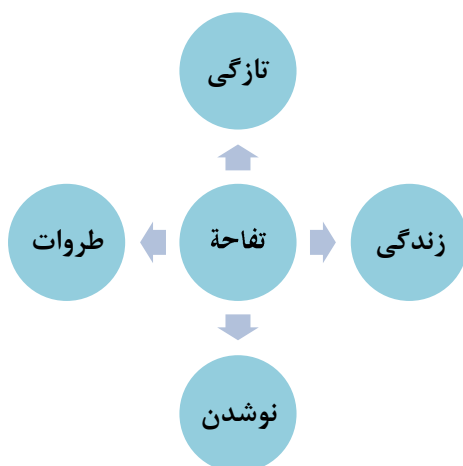


فراخوان حضرت موسی^ع و پیش‌کشیدن ماجرای قومش، غیبت حضرت^ع و گوساله‌پرستی قوم و تمسخر آن حضرت^ع، بیان ناتوان‌شدن وی، اشاره به قتل عام گسترده و کشتارهای فجیع، نشانه‌هایی هستند که مخاطب را به فریافت فکری شاعر سوق می‌دهد و بدین‌صورت ملاحظه می‌کند که شاعر با این فراخوانی و ارتباط بین عنوان و متن موفق عمل کرده است و به کارکرد عنوان در متن این‌گونه پی‌می‌برد که وی ماهرانه با چنین‌گزینشی، ذهن را به درون متن می‌کشاند و این‌گونه به کارکرد عنوان در متن پرداخته است. اینها نشانه‌های اعتراض شاعر و بیان نهایت ددمنشی و ظلم صهیونیست‌هاست: «نشانه‌ها علاوه بر بار معنایی خود، باری سنگین از باورها، اندیشه‌ها، اسطوره‌ها و به مفهومی کلی، فرهنگ را به دوش می‌کشند و نشان‌دهنده پیشینه تاریخی کهن هستند. این‌گونه از نشانه‌ها از طریق رمزگان‌های فرهنگی ارزش می‌یابند و خوانندگان را به متن تاریخ و فرهنگ هر جامعه‌ای می‌برند» (سجودی و کاکه‌خانی، ۱۳۹۰: ۱۳۸).

عنوان این قصیده، یک جمله اسمیه است و «اسلوب اسمی به دوری از رنگ و بوی فضای شخصی تأکید دارد» (فضل، ۱۹۹۲: ۱۴۲). از آنجا که جمله اسمیه بر ثبوت و استمرار دلالت می‌کند (جرجانی، ۲۰۰۵: ۱۲۴ و زمخشری، ۲۰۰۶: ۹/۱)؛ از این‌رو، شاعر از این اسلوب در جهت بیان

همیشگی بودن ظلم قوم حضرت موسیٰ اشاره می‌کند و ستمگری را ویژگی ثابت این قوم برمی‌شمرد که همواره ادامه دارد. نکته دیگر اینکه با گریز در متن شعر و کشف فرایافت ذهنی شاعر، خواننده به این سمت رهنمون می‌شود که عنوان، تنها برگرفته از معنای شعر است نه لفظ.

«لا تعطینی تفاحه أخری»، عنوان یکی دیگر از قصاید حلمی الریشه است که از نظر لفظ و معنا برگرفته از متن است. این نوع گزینش برای عنوان، دریچه‌ای را پیش روی خواننده می‌گشاید و ذهن پرسش‌گر وی را برای درک معنای مدنظر شاعر از این جمله به تلاش وامی‌دارد که منظور شاعر از «سیب دیگر» چیست؟ انتخاب واژه «تفاحه» (سیب) و متصف کردن آن به واژه «آخری» (دیگر)، بی‌شک یک نشانه برای مفهوم ذهنی شاعر است که خواننده را به کشف معمای آن ترغیب می‌کند. سیب همواره نمادی مثبت با بسامدی امیدبخش بوده است؛ در نتیجه با توجه به آستانه ورودی شعر، از آنجا که تفاحه همیشه نشان و دلالت‌کننده برای مدلول‌هایی مانند ابزار معرفت و شناخت، شناخت نیک و بد، نماد تازگی، زندگی، طراوت و نوشدن است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۲: ۷۰/۱۳)، در نگاه اول نیز چنین می‌نماید که برای چنین نمادهایی به کار رفته است:



با رجوع به دل متن و با کاوش در متن شعر مشاهده می‌شود که پیشخوان شعر در دل متن، بارها تکرار شده است و خواننده با یک واژگونی معنایی مواجه می‌شود که در آن شاعر با گریزی بینامتنی به داستان قرآنی آدم و حوا و ماجرای اغواشدن آنها توسط شیطان و خوردن میوه ممنوعه، به سیب بار معنایی منفی داده و آن را نشان فریب و نیرنگ به کار برده است.

آن‌گاه خواننده با کمی دقت نظر در عنوان و همنشینی واژه «تفاحه» با صفت «آخری» و فعل نهی «لا تعطینی»، به این نکته پی می‌برد که تفاحه در اینجا در معنای اصلی خویش به کار نرفته و یک دالّ برای یک مدلول خاص است:

لَا تُعْطِي تَفَاحَةً أُخْرَى لِتُخْرِجَنِي / لِلْمَلَجِ الْعَرَبِيِّ، لَيْسَ لَهُ جَدَارٌ أَوْ غِطَاءٌ / فَالْبُرُّ مُنْتَهَكٌ /
وَالْبَحْرُ مُنْتَهَكٌ / وَالْجَوْ مُنْتَهَكٌ / وَالْوَحْلُ مُنْتَهَكٌ / وَالْقَبْرُ لِلْأَسْمَاءِ. / لَا تُعْطِي تَفَاحَةً أُخْرَى

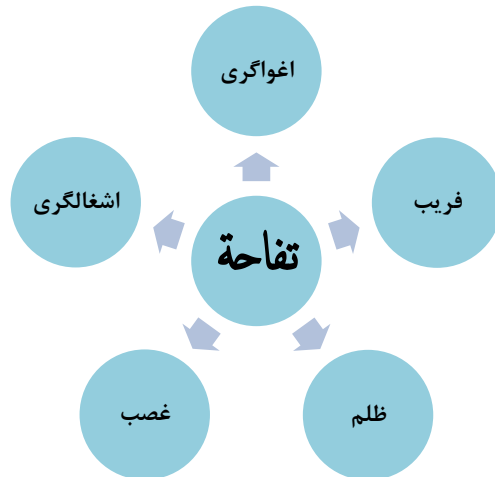
فَأَخْرُجُ مِنْ نَوَافِدِ فَرْطِيَّةٍ / إِنَّ الْفَوَاكِهَ لَأَنْتَاسِبُ شَكْلَ فَاهِي / حِينَ أَقْضِيهَا بِيَدِيكَ / لَأُعْطِي
تُفَاحَةً أُخْرَى / فَأَقْضِمُ إِظْفَرِي نَدْمًا عَلَى فَرْحِ مُؤَقَّتٍ / لَا تُعْطِنِي تُفَاحَةً أُخْرَى فَتَلْبَسُنِي
الْخَطِيئَةُ مَرَّتَيْنِ / إِبْلِيسُ فِي الْمِيدَانِ يَرْقُبُ طَلْعَتِي مِنْ نَجْمَتَيْنِ / تَفْتَحُ الْأَخْطَاءُ حَوْلَهُمَا
وَيُرْسِمُ فِي عُيُونِي شَارِعِينَ^۴ (حلمی الریشة، ۲۰۱۶: ۱۱۲-۱۱۴).

شاعر در این قصیده و با برگرفتن این عنوان از دل مضمون یک داستان قرآنی، بین اغواگری شیطان و اسرائیل ارتباط ایجاد کرده و از این داستان برای بیان ایده سیاسی خویش بهره جسته است تا شیطان‌صفتی اسرائیلیان را به تصویر بکشد، وی با لفظ «اخری»، تکرار و سوسه‌های فریکارانه شیطان را در پوششی دیگر بازگو می‌کند که اسرائیل با وعده‌های دروغین در پی وسوسه فلسطینیان است تا سرزمینشان را غصب کند و اسرائیل را در پوشش شیطان نمایان کرده است.

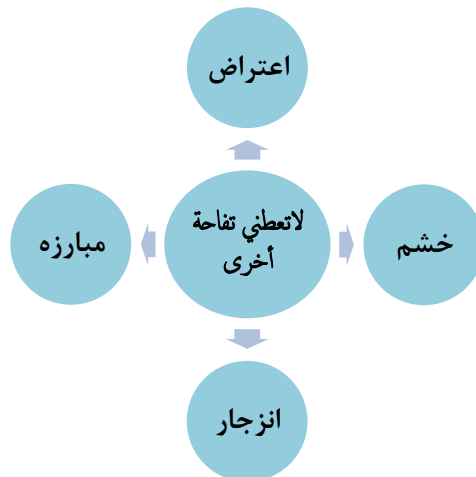
با توجه به آنچه گفته شد، در پس درخواست شاعر برای ندادن سیبی دیگر که در عنوان قصیده آمده، اندیشه‌ای سیاسی نهفته است که از سیب به‌عنوان نمادی برای اغواگری‌های صهیونیست استفاده کرده است تا با واداشتن مردم به فروش زمین، آنان را بفریبند و از سرزمین خود بیرون کنند؛ همان‌طور که شیطان آدم را اغوا کرد و از بهشت بیرون شد. از آنجا که شعر دارای مضمونی سیاسی است، خواننده با چیش واژه‌ها در کنار همدیگر، درمی‌یابد که آنها انباشتی معنایی، فراتر از معانی اصلی در دل خود دارند. در واقع، تکرار «لَا تُعْطِنِي تُفَاحَةً أُخْرَى»، فریادهای خشم‌آگین شاعر در اعتراض به جولان مگاران تاریخ در سرزمینش است. شاعر با اسلوبی گزنده و تلخ، در یک همنشینی از واژه‌ها و در پی آن با تکرار لفظ «منتهک»، انزجار خویش را از حضور حيله-گران فریاد می‌زند که گام‌های ناپاک آنها، طهارت سرزمینش را از بین برده است. اینجاست که خواننده به این نکته پی می‌برد که شاعر به صورت تلمیح در این قطعه، از چهره اغواگرانه صهیونیسم پرده برمی‌دارد.

شاعر از صهیونیسم حيله‌گر به ابلیس، به‌عنوان نماد اغواگری تعبیر کرده که با حيله‌گری، سرزمین فلسطین را غصب کرد. خواننده با گریز در متن درمی‌یابد که هریک از واژگان عنوان، یک نشانه هستند که از خلال محور همنشینی به معنایی (معنای زیرین واژه) که در پس فکر شاعر نهفته است، پی برده می‌شود؛ چراکه «در شناخت معنای شعر، محور دلالت، محور همنشینی است» (برکت و افتخاری، ۱۳۸۹: ۱۱۴)، خواننده از طریق همنشینی واژه «تفاحه» با نشانه‌هایی چون واژه‌های «ملجاً العربی، لیس له جدار، البر منتهک، ابلیس، الخطیئة» گره از لایه پنهانی آن می‌گشاید؛ چراکه گردش شیطان در سرزمین عربی بدون حریم، که تمام سرزمین را آلوده ساخته در کنار واژه «سیب»، تنها می‌تواند تداعی‌گر ماجرای شیطان و سیب در داستان آدم و حوا باشد. در نتیجه چنین حاصل می‌شود که این واژه یک بار معنایی فراتر از معنی خود دارد، تفاحه یک نشانه زبانی است که در این قصیده، مدلول غالب آن اغواگری است. این اغواگری از ناحیه اسرائیل شیطان‌صفت

صورت گرفته که با وسوسه‌های شیطانی سعی در فریفتن فلسطینی‌ها داشته است و شاعر چنین هنرمندانه بین موضوع سیاسی اشغالگری صهیونیسم فریبکار و آن موضوع قرآنی ارتباط برقرار کرده است؛ بنابراین، چیدمان الفاظ در کنار یکدیگر، ذهن خواننده را به مدلولی فراتر از آنچه در ابتدا می‌پنداشت، سوق می‌دهد که شامل اغواگری، اشغالگری، فریب، ظلم و غصب است:



اما عنوان، خود نیز به صورت کلی و در چینی از تمام واژگانی که در خود دارد، حاوی پیامی است که هدف اصلی شاعر است و شاعر آن را دالی برای مدلول‌های ذهنی خویش، یعنی اعتراض، خشم، مبارزه و انزجار به استمداد طلبیده است و در واقع می‌توان گفت این عنوان، شعار اعتراض شاعر است:



حلمی الریشه عنوان این قصیده را با استفاده از اسلوب جمله فعلیه بیان کرده است و «اسلوب فعلی با فعل و ضمائر آن، دارای نشانه‌های شخصی است. ویژگی دیگر آنکه اسلوب فعلی با فعل خود علاوه بر اندیشه شخصی، به زمان و عدد نیز دلالت دارد و بعد زمانی در آن جنبه‌ای اساسی به شمار می‌رود» (آذر شب و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴)؛ پس

کار بست جمله فعلیه دالّ بر زمان کنونی و حاضر است و بیان می‌دارد که شاعر از اوضاع کنونی جامعه‌اش می‌سراید.

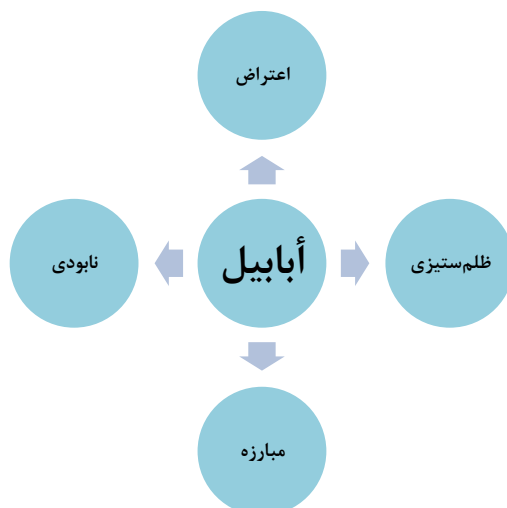
«أبائیل»، عنوان یکی دیگر از قصاید سیاسی حلمی الریشه است. این عنوان برگرفته از محتوای متن است و هیچ‌گونه اشاره لفظی در متن شعر به این کلمه نشده است. آنچه حس کنجکاو خواننده را برانگیخته، نوع واژه‌گزینی شاعر برای ورود به شعر است. وی خواننده را برای گره‌گشایی از اسرار نهفته در دل متن و ارتباط آن با این عنوان به خوانش متن وامی‌دارد. خواننده نمی‌تواند به سهولت از عنوان بگذرد و به دل متن نفوذ کند، همین اهمیت دادن به عنوان، او را به متن متوجّه می‌سازد؛ چراکه عنوان از سازوکارهای متن است. این قصیده از جمله قصایدی است که خواننده را از طریق عنوان، در دل اثر خویش قرار می‌دهد و سرایشگر، در همان ابتدا، به هنگام سرایش اثر خویش، برای خواننده نیز سهمی قائل شده است. به‌کارگیری این عنوان برای خواننده که در ابتدا ذهن او را به آیه قرآنی «وَأَرْسَلْ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَائِيلَ» (فیل: ۳) سوق می‌دهد، مبهم و گنگ است و او اطمینان دارد که این عنوان، لایه‌های پنهانی از معنا در خود جای داده است و به‌عنوان تحلیل‌گر متن در صدد تحلیل آن برمی‌آید:

مَنْ عَلَّمَ الطُّفْلَ الْفِلَسْطِينِي إِلْقَاءَ الْحَجَرِ؟ / مَنْ عَلَّمَ الطُّفْلَ الْفِلَسْطِينِي أَنْ يَهْوِيَ بِهَامِيهِ
الطُّرْبِيَّةِ / ثُمَّ يَنْتَفِضُ الْقَمَرُ؟ / مَنْ عَلَّمَ الطُّفْلَ الْفِلَسْطِينِي أَنَّ الْعَيْمَ مِنْ دَمِهِ سَيِّدًا / ثُمَّ يَنْهَمِرُ
الْمَطْرُ؟^۵ (حلمی الریشه، ۲۰۱۶: ۱۶۰).

به‌کارگیری «إِلْقَاءَ الْحَجَرِ» در این بخش، تداعی‌کننده آیه شریفه «تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ» (فیل: ۴) است که خواننده با قرارداد این واژه در کنار عنوان قصیده (ابائیل)، یک نشانه دریافت می‌کند تا با گریز به آیات قرآن، ارتباط عنوان را با متن رمزگشایی کند. او ملاحظه می‌کند «أبائیل» هسته فکری شاعر است که منظومه‌ای از معانی را در دل خود جای داده است، «یک عنوان در لحظه تولّد خود، با رشته‌ای مخفیانه به کلّ اثر ادبی وصل است و نسبت آن به کلّ اثر، مانند نسبت سر به بدن است؛ چراکه عنوان، ویژگی‌های تعبیری، زیبایی‌شناختی، عبارت‌اندک و معنای فراوان است» (ذویبی، ۲۰۰۶: ۲۱).

در اینجا، با بررسی شعر، لایه‌های زیرین معنای عنوان بر ملا و این رهیافت حاصل می‌شود که شعر، معنایی اعتراض‌آمیز و ظلم‌ستیز را دربردارد. خواننده با زیرکی، با تکرار «مَنْ عَلَّمَ الطُّفْلَ الْفِلَسْطِينِي إِلْقَاءَ الْحَجَرِ» و قرار دادن این جمله در کنار عنوان قصیده و معانی نهفته در دل آن، به این نکته پی می‌برد که شاعر، به‌گونه‌ای نامحسوس بین پرتاب سنگ به سوی نیروهای اسرائیلی و پرتاب سنگ پرندگان ابائیل بر سواران ابرهه، ارتباطی معنایی به وجود آورده و این‌گونه با استفاده از داستان قرآنی ماجرای اصحاب فیل، بینامتنی قرآنی نامحسوسی را خلق کرده است و پرندگان ابائیل را در

سنگ اندازی، نمادی از کودکان فلسطینی معرفی کرده است که همواره در حال اعتراض و مبارزه با صهیونیست‌ها هستند؛ پس می‌توان گفت که أبابیل در اینجا نشان و دالی است که دربردارنده مدلول‌های اعتراض، نابودی، ظلم‌ستیزی و مبارزه است:



۳-۳. عنوان از نظرگاه ساختاری

از لحاظ ساختاری (ترکیبی)، وضع عنوان نزد مؤلفان، میان یک جمله، جمله‌های اسمیه یا فعلیه و ترکیب جزئی و اسم، خواه علم یا شیء، ظرف مکان یا زمان، صفت و حرف در نوسان است (مطوی، ۱۹۹۹: ۴۵۸)؛ بنابراین، باید گفت عنوان از نظر نحوی به دو بخش مفرد و مرکب تقسیم می‌شود که بسته به فضای فکری شاعر متفاوت است.

محمد حلمی الریشه در انتخاب عناوین قصاید خویش، هم از ساختار مفرد و هم مرکب بهره‌جسته و هرچند که ساختار مرکب، مخصوصاً جمله، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است، اما این نوشتار بر آن است تا با شیوه‌ای گزینشی هر دو نوع را بررسی کند:

عنوان قصیده «لا تعطني تفاحة أخرى» از نظر ساختاری، مرکب، از نوع جمله فعلیه و متشکل از سه واژه فعل + فاعل + مفعول + (صفت) است که جمله فعلیه بر تجدّد و حدوث دلالت می‌کند. در این ساختار «لا تعطني» فعل نهی است که از نظر ساختاری دو مفعولی است و مفعول اول آن ضمیر «ي» و مفعول دوم کلمه «تفاحة» است و اینکه در ابتدای کلام، فعل به صورت منفی ذکر شده، بیانگر نهایت انزجار و خشم شاعر از شرایط حاکم بر جامعه است و نکره آمدن تفاحة نیز، اذعان به ناشناخته بودن سبب برای خواننده است و همچنین، صفت «أخرى» برای سبب، بر تکرار شدن یک اتفاق، یعنی فریب و اغواگری اشاره دارد. قصیده «أبابیل» از نظر ساختار دستوری، تنها یک کلمه است و در زمره عناوین مفرد جای دارد و شاعر بدون هیچ توضیح زائدی، تنها به گفتن

این یک واژه بسنده کرده است تا خواننده تمام فکر خویش را بر آن متمرکز و خود، راز این معما را کشف کند و این نوع انتخاب در عنوان، هدفمندانه و حاکی از خلاقیت و هنرنمایی شاعر است که تنها با یک واژه و در قالب لفظ مفرد، خواننده را به مطالعه شعر تشویق کرده است. در قصیده «رسالة إلى كلیم الله»، طبق ترکیب دستوری، عنوان یک جمله، و مرکب است و ترکیب نحوی جمله، نشانگر اسمیه بودن آن است که از مبتدا و خبر تشکیل شده است؛ اگرچه در اینجا مبتدا (هذه) محذوف است، اما از ساختار می‌توان به محذوف بودن آن پی برد. «رسالة» خبر از مبتدای محذوف و «إلی کلیم الله» جار و مجرور متعلق به رساله است؛ در نتیجه، این عنوان از نوع مرکب و جمله اسمیه محسوب می‌شود. حذف مبتدا، دال بر این است تا ذهن خواننده را متوجه کلمه رساله کند که هدف اصلی شاعر بوده است تا مهم بودن پیام را بیان کرده باشد و تمام توجه خواننده را به «رسالة» معطوف کند.

۴. نتیجه

نشانه‌شناسی، دانشی برای کشف معانی پنهان متن است و عنوان، از جمله رمزگان‌های این علم است که همچون مدخلی ذهن را آماده ورود به متن می‌کند. محمد حلمی الریشه، در گزینش عنوان قصاید خویش به گونه‌ای دقت نظر و اهتمام داشته است که خواننده را به کشف ارتباط این دو با یکدیگر واداشته است. ره آورد تلاش نگارندگان در این پژوهش، گره‌گشایی از این ارتباط است. حلمی الریشه در انتخاب این سه قصیده، هدفمند عمل نموده و عنوان را بر اساس مفاهیمی خاص و برگرفته از داستان‌های قرآن انتخاب کرده است؛ به عبارت دیگر، در پس این عناوین، اندیشه‌ای خاص نهفته است که درک آن به واکاوی عمیق ذهنی خواننده نیاز دارد که نتیجه این واکاوی در کشف اندیشه شاعر، بیان انزجار و اعتراض وی از اشغالگری اسرائیلیان و مبارزه طلبی اوست. شاعر در انتخاب عنوان در قصاید «لاتعطني تفاحة أخرى»، «أباییل» و «رسالة إلى كلیم الله» هوشمندانه عمل کرده است. وی با زیرکی و به گونه‌ای ماهرانه بین عناوین و داستان‌های قرآنی برای القای مضامین سیاسی و احساسات ناسیونالیستی خویش ارتباط برقرار کرده، خواننده را به خوانش متن ترغیب می‌کند. او گاه در بعضی از عنوان‌ها به مثابه یک کد، خواننده را در رمزگشایی متن رهنمون می‌سازد، گاه معماگونه خواننده را به خوانش متن ترغیب کرده تا خود گره از راز نهفته آن باز کند.

از آنجا که اشعار الحلمی الریشه سیاسی و وطنی است، سبک شعری او، رمزگونه و نمادین است؛ که این نوع سبک خاص، باعث چندلایه سخن‌گویی در شعر وی شده است؛ از این رو، فرایافت مفهوم ذهنی شاعر تنها از طریق نشانه‌های موجود میسر است.

از دیگر دستاوردهای این نوشتار این است که شاعر در گزینش عنوان سروده‌های خویش، گاه در قصایدی از جمله «لاتعطني تفاحة أخري»، عنوان را هم از نظر لفظ و هم معنی، از بطن متن استخراج می‌کند؛ یعنی شاعر بخشی را که در قصیده آورده، لفظاً و معنیاً، برای عنوان قصیده خویش برمی‌گزیند که در این مورد درک فرایافت فکری شاعر در متن امکان‌پذیر است و گاه در قصایدی چون «رسالة إلی کلیم الله» برگرفته از محتوا و مفهوم متن شعر، این عناوین را برگزیده است؛ اما در قصایدی چون «أبائیل» دریافت استراتژیک فکری شاعر آن‌چنان دور از ذهن و در لایه‌های چندم نهفته است که نیازمند تلاشی عمیق برای درک آن است؛ چراکه شاعر در بطن اصلی شعر، به عنوان اشاره مستقیم نداشته و عنوان نیز به‌گونه‌ای گزینش شده است که از خلال آن فهم این ارتباط دشوار می‌نماید و فقط با موشکافی دقیق می‌توان به معنای ذهنی نویسنده راه یافت. در مجموع، می‌توان گفت که بازتاب داستان‌های قرآن در عنوان این قصاید، فریاد اعتراض و استعمارستیزی و بیان اوج ظلم و اغواگری صهیونیسم است.

پی‌نوشت

۱. محمد حلمی الریشه (۱۹۵۸م)، در شهر نابلس به دنیا آمد، وی در زمره شاعران رمزگرای قرار دارد که به صراحت سخن نمی‌گوید تا جایی که رمز را با غموض درمی‌آمیزد. وی دارای آثار بسیاری در زمینه شعر و ترجمه است؛ از جمله مهم‌ترین آثار شعری وی که بردارنده مضامینی وطنی و سیاسی هستند، عبارت‌اند از: الخیل والأنتی (۱۹۸۰)، حالات فی اتساع الروح (۱۹۹۲)، الوميض الأخير بعد التقاط الصورة (۱۹۹۴)، أنت وأنا والأبيض السی الذکر (۱۹۹۵)، لظلالها الأشجارُ ترفعُ شمسها (۱۹۹۶)، ثلاثية القلق (۱۹۸۶). شاعر دیوان‌های شعری‌اش را با عنوان الأعمال الشعرية در سه جلد جمع کرده است ← محمود حسین، ۲۰۱۵: ۱۵ و ابوصالح، ۲۰۱۱: ۲۸۹-۳۱۱).

۲. تعاریف مفاهیم همنشینی و جانشینی: سوسور در تعریف معنای همنشینی واژه‌ها چنین آورده است: «واژه‌ها در گفتار، به دلیل توالیشان، روابطی را میان خودشان برقرار می‌کنند که بر بنیاد ویژگی خطی و یک بعدی زبان استوار است؛ این ویژگی امکان تلفظ دو عنصر را در آن واحد ناممکن می‌سازد و به همین دلیل، این عناصر یکی بعد از دیگری بر روی زنجیره گفتار ترتیب می‌یابند. این ترکیبات را که تکیه‌گاهشان امتداد زمانی است، می‌توان زنجیره نامید؛ بنابراین، زنجیره همیشه از دو یا چند واحد پیاپی تشکیل می‌شود» (سوسور، ۱۳۹۲: ۱۷۶). به اعتقاد سوسور محور جانشینی بر پایه موارد مشابه استوار است و می‌تواند با هر چیزی که ارزشی همانند آن داشته باشد، مقایسه شود؛ اما محور همنشینی بر پایه موارد ناهمانند استوار است (Rivkin & Ryan, 1998: 84).

۳. و می‌گویم ای موسای بیمار: چهل شب از چشم آنها غایب شدی؛ پس آنان برای گوساله تعظیم کردند و با تمسخر از تو طلب بخشش کردند و اینک تو نمی‌آیی؛ پس هر روز کشتار و قتل عامی را به راه می‌اندازند، در / هر زمانی / کشتاری است.

۴. سبب دیگری را به من نده؛ تا مرا به سوی سرزمین عربی بیرون کنی که نه دیواری دارد و نه پوششی؛ زیرا که خشکی، آلوده است، دریا آلوده است، هوا آلوده است، گل آلوده است، و گوری برای نام‌هاست.

سیب دیگری را به من نده زیرا از پنجره‌های قرطبه بیرون می‌روم. میوه‌هایش مناسب با شکل دهانم نیستند، هنگامی که آن را با دستان تو گاز می‌زنم. به من سیب دیگری را نده که ناخن خود را از سر پشیمانی برای یک شادی مؤقت می‌جویم، سیب دیگری را به من نده، که من دوباره مرتکب گناه و اشتباه شوم، ابلیس در میدان با دو چشم چون ستاره مرا می‌پاید، گناهان در اطراف آن دو (ستاره) نمایان می‌شوند و در چشمان من دو مسیر (خیابان) را ترسیم می‌کند.

۵. چه کسی به کودک فلسطینی پرتاب کردن سنگ را آموخت؟ چه کسی به کودک فلسطینی آموخته است که با اندیشه نو خود عاشق شود؛ سپس به سوی ماه می‌رود، چه کسی به کودک فلسطینی آموخت که ابر از خون او آغاز خواهد شد؟ سپس باران فرو می‌ریزد؟

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۰)، ساختار و تأویل متن، تهران، مرکز.
- ابوصالح، وائل (۲۰۱۱)، «الأدیب محمد حلمی الریثة»، موسوعة أبحاث و دراسات فی الأدب الفلسطینی الحدیث، الجزء الرابع، الطبعة الأولى، مجمع القاسمی للغة العربیة، أكادیمیة القاسمی، باقة الغربیة، صص ۲۸۷-۳۱۲.
- آذرشب، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۶)، «نشانه‌شناسی عنوان قصیده حفرة علی یاقوت العرش، سروده محمدعلی شمس‌الدین»، زبان و ادبیات عربی، ش ۱۶، سال نهم، صص ۱-۲۶.
- بخیت، فاطمه (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی دلالت «عنوان» در شعر شش شاعر فارسی و عربی معاصر (نیما، شاملو، شفیع کدکنی، سیاب، مقال و درویش)، رساله دکترای تخصصی، به راهنمایی سعید بزرگ بیگدلی، دانشگاه تربیت مدرس.
- برکت، بهزاد و طیبه افتخاری (۱۳۸۹)، «نشانه‌شناسی شعر: کاربست نظریه ریفاتر بر شعر ای مرز پرگهر فروغ فرخزاد»، پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، دوره اول، ش ۴، صص ۱۰۹-۱۳۰.
- بن‌الدین، بخولة (۲۰۱۳)، «عتبات النص الأدبی: مقاربة سیمیائیة»، جریة وطنیة، صص ۱۰۳-۱۱۳.
- بلعابد، عبدالحق (۲۰۰۸)، عتبات (ج. جنیت من النصّ إلى المناصّ)، بیروت، الدار العربیة للعلوم.
- بوصیع، حفیظة (۲۰۱۰)، «سیمیائیة العتبات النصیة: مقاربة عنوان و رواية حکایة الغراب»، ورشة الروایة: حلقة بحث خاصة بالروایة المغربیة محمدعزالدین التازی، جامعة الجزائر مرکزیة، صص ۱۴-۴۱.
- الحجمري، عبدالفتاح (۱۹۹۱)، عتبات النصّ: النبیه و الدلالة، المغرب، منشورات الرابطة.
- حسنیه، مسکین (۲۰۱۳)، «شعریة العنوان فی الشعر الجزائري المعاصر»، رساله دکوتوراه، تحت إشراف داود محمد، جامعة وهران.
- حلمی الریثة، محمد (۲۰۱۶)، الأعمال الشعریة، المجلد الأول، فلسطین، دار أبابیل.
- الحمداوی، جمیل (۱۹۹۷)، «السیموطیقا و العنونة»، عالم الفکر، الکویت، وزارة الإعلام، مجلد ۲۵، عدد ۳، صص ۷۹-۱۱۱.
- جرجانی، عبدالقاهر (۲۰۰۵)، دلائل الإعجاز، بیروت، دار الكتاب العربی.
- ذویبی، خنبر الزیر (۲۰۰۶)، سیمولوجیا النصّ السردی، مقاربة سیمیائیة لروایة الفراشات و الغیلان، الحلقة الأولى، الجزائر، رابطة اهل القلم.

زعر، صبحیه عوده (٢٠١٨)، تحلیل النص الأدبي في ضوء النظريات النقدية الحديثة، الطبعة الدولية، عمان، دار محلاوي للنشر و التوزيع.

الزحشري (٢٠٠٦)، الكشاف، المجلد الأول، بيروت، دار الكتاب العربي.

سجودي، فرزانه (١٣٩٣)، نشانه شناسی کاربردی، تهران، نشر علم، چاپ سوم.

_____ و فرناز کاکه خانی (١٣٩٠)، «بازی نشانه ها و ترجمه شعر»، زبان پژوهی، دوره ٣، ش ٥، صص ١٣٣-١٥٣.

السلطانی، ایمان مطرمهدی و ایناس محمد مهدی حمود (٢٠١٤)، «وظائف العنوان التصیفة فی القرآن الکریم السور المکیة أمودجاً، اللغة العربية و آدابها»، جامعة الکوفة، العدد ٢٠، صص ٢٤٥-٢٦٦.

سوسور، فردينان. دو (١٣٩٢)، دورة زبان شناسی عمومی، ترجمه کورش صفوی، تهران، هرمس، چاپ چهارم.

شوالیه، ژان، آلن گرابران (١٣٨٢)؛ فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، ج ٣، تهران، جیحون.

الضمور، عماد (٢٠١٤)، «وظائف العنوان فی شعر نادر هدی»، جامعة النجاح للأبحاث (العلوم الإنسانية)، المجلد ٢٨ (٥)، صص ١٢٧٤-١٢٥٣.

عبید، محمد صابر (٢٠١٥)، التشکیل الجمالی للخطاب الأدبي الكردي - الهوية و المتخیل -، عمان، دار غداء.

الغذامي، عبدالله (١٩٩٣)، ثقافة الأسئلة، مقالات فی النقد و النظرية، القاهرة، دار سعاد الصباح، الطبعة الثانية.

فرج، حميد الشیخ (٢٠١٣)، العنوان فی الشعر العراقي الحديث، دراسة سيميائية، لبنان، البصائر.

فرهنگی، سهیلا و کاظم یوسف پور (١٣٨٩)، «نشانه شناسی شعر الفباي درد سرودة قیصر امین پور»، کاوش نامه، سال یازدهم، ش ٢١، صص ١٤٣-١٦٦.

فضل، صلاح (١٩٩٢)، بلاغة الخطاب و علم النص، الكويت، عالم المعرفة، وزارة الإعلام.

گیرو، پییر (١٣٨٠)، نشانه شناسی، ترجمه محمد نبوی، تهران، آگاه.

مختار عمر، احمد (١٣٨٥)، معنانشناسی، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد، دانشگاه فردوسی، چاپ چهارم.

محمود حسین، خالد طالب (٢٠١٥)، الظواهر الأسلوبية فی دیوانی الشاعر محمد حلمي الریشة، رسالة ماجیستر، المشرف بنان صالح الدین، جامعة القدس.

مطوی، محمد الهادي (١٩٩٩)، «شعرية كتاب الساق علی الساق فی ما هو الفاریاق»، عالم الفكر، العدد ١، يوليو، الكويت، وزارة الإعلام، صص ٤٥٥-٥٠١.

مکاریک، ایرنا ریما (١٣٨٥)؛ دانش نامه نظریه های ادبی معاصر، ترجمه مهرا ن مهاجر، تهران، آگه، چاپ دوم.

Connor, Steven (2003), structuralism and post – structuralism: from the center to the margin.

Maranda, Pierre (1980), “The dialectic of Metaphor: An Anthropological Essay on Hermeneutics”, The reader in the Text: Essay on Audience and Interpretation Susan Suleiman and Inga C Rosman (eds), Princeton, Princeton University, pp. 183- 204.

Reffatterre Michael (1999), Describing Poetic Structures: Two Approaches to Baudelaire’s “Les chats” Literary Theories: A reader and Guide, Julian Wolfreys (ed.) Edinburgh University Press, Edinburgh, pp. 149- 161.

Rivkin, Julie & Ryan, Michael (1998), Literary Theory: An Anthology, Blackwell Publishers inc.

References

- Ahmadi, Babak (2001), *Text Structure and Interpretation*, Tehran, Center.
- Abu Saleh, Wael (2011); *The writer Muhammad Helmy Al-Rishah*, Encyclopedia of Research and Studies in Modern Palestinian Literature, Part IV, First Edition, Al-Qasimi Complex of the Arabic Language, Al-Qasimi Academy, Baqa Al-Gharbiyye, pp. 287-312.
- Azarshab, Mohammad Ali et al. (2017), "Semiotics of the title of the ode of the hole of Ali Yaqut al-Arsh, poem by Mohammad Ali Shamsuddin, Arabic language and literature, vol. 16, ninth year, pp. 1-26.
- Bakhit, Fatemeh (2013), *A Comparative Study of the Meaning of "Title" in the Poetry of Six Contemporary Persian and Arabic Poets* (Nima, Shamloo, Shafiee Kadokani, Siab, Maqaleh and Darvish), Supervisor: Saeed Bozorg Bigdeli, Tarbiat Modares University,
- Barakat, Behzad and Tayebeh Eftekhari (2010), "Poetry Semiotics: Application of Rifater Theory on Poetry of "Ey Marz Porgohar" by Forough Farrokhzad, Research in Comparative Language and Literature, Volume 1, Issue 4, pp. 109-130.
- Ben El-Din, Bakhouleh (2013), "Thresholds of the Literary Text: A Semiotic Approach", National Newspaper, No. 103-104, p. 105.
- Belabed, Abdelhak (2008), *Atabat (J. Janit, from the text to the manas)*, the Arab House of Science, Beirut, Publishers.
- Boussaba, Hafida (2010), *Semiotics of Textual Thresholds: Approaching the Title and Novel of the Raven's Tale*, Novel Workshop: A Research Seminar on the Moroccan Novel of Mohamed Ezzedine Tazi, Central University of Algiers, pp. 14-41.
- Al-Qamari, Abdel-Fattah (1991), *Text thresholds: structure and significance*, Morocco, Al-Rabeteh Publications.
- Hassania, Miskin (2013), *Title Poetry in Contemporary Algerian Poetry*, Ph.D. thesis, Oran University. Helmy Al-Rishah, Muhammad (2016), *Poetic Works*, Volume One, Ababeel House.
- Al-Hamdawi, Jamil (1997), "Symotica and Addressing", *Alam Al-Fikr*, Kuwait, Ministry of Information, Vol. 25, No. 3, pp. 79-111.
- Jarjani, Abdel-Qaher (2005), *Evidence of Miracles*, Beirut, Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Dhoubi, Khathbar Al-Zubair (2006), *the semiology of the narrative text, a semiotic approach to the novel of butterflies and ghouls, the first episode*, Algeria, the Association of the writers.
- Zarab, Sobhia Odeh (2018), *Analysis of the Literary Text in the Light of Modern Critical Theories*, International Edition, Amman, Mahdalawi House for Publishing and Distribution.
- Al-Zamakhshari (2006), *The Scout*, Beirut, Vol. 1, Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Sojudi, Farzan (2014), *Applied Semiotics*, Tehran, Elm Publishing, Third Edition.
- _____ and Farnaz Kakekhani (2011), "The Game of Signs and Poetry Translation", *Linguistics*, Volume 3, Issue 5, pp. 133-153.
- Sultani, Iman Matarmehdi; Enas, Muhammad Mahdi Hammoud (2014); *The textual functions of the title in the Noble Qur'an, the Meccan surahs as a model*, the Arabic language and its literature, University of Kufa, No. 20, pp. 245-266.
- Saussure, Ferdinando (2013), *General Linguistics Course*, translated by Kourosh Safavid, Tehran, Hermes, fourth edition.
- Shevalie, Jean, Alain Grabran (2003); *Dictionary of Symbols*, translated by Soodabeh Fazaili, vol. 3, Tehran, Jeyhun.

- Damour, Imad (2014), "The Title Functions in Nader Huda's Poetry," *An-Najah University for Research (Human Sciences)*, Vol. 28 (5), pp. 1274-1253.
- Obaid, Muhammad Saber (2015), *The Aesthetic Formation of Kurdish Literary Discourse - Identity and Imaginary -*, Amman, Ludaa House.
- Al-Ghadami, Abdullah (1993), *The Culture of Questions, Articles in Criticism and Theory*, Cairo, Dar Souad Al-Sabah, second edition.
- Faraj, Hamid Al-Sheikh (2013), *the title in modern Iraqi poetry, a semiotic study*, Lebanon, Al-Basaer.
- Farhangi, Soheila and Kazem Yousefpour (2010), "Semiotics of "Alphabet of Poetry" Poem by Qaisar Aminpour", *Kavoshnameh*, Year 11, Vol. 21, pp. 143-166.
- Fadl, Salah (1992), *The rhetoric of discourse and the science of the text*, World of Knowledge, Issue 164, August, Kuwait, Ministry of Information.
- Giro, Peyer (2001), *Semiotics*, translated by Mohammad Nabavi, Tehran, Agah.
- Mokhtar Omar, Ahmad (2006), *Semantics*, translated by Seyed Hossein Seyed, Mashhad, Ferdowsi University, fourth edition.
- Mahmoud Hussein, Khaled Talib (2015), *Stylistic Phenomena in the Poet's Diwans*, Muhammad Helmy Al-Rishah, Master's Thesis, Supervisor: Banan Salih Al-Din, Al-Quds University.
- Mutawi, Muhammad Al-Hadi (1999), "The Poetry of the Book of the Leg on the Leg in What is Al-Faryaq", *World of Thought*, Issue 1, July, Kuwait, Ministry of Information.
- Makarik, Irna Rima (2006); *Encyclopedia of Contemporary Literary Theories*, translated by Mehran Mohajer, Tehran, Agah, second edition.